

پیش بینی های حقوقی در زمینه جلب فن آوری پیشرفته در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی

دکتر احدقلی زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

طرح مسأله:

مشخص می شود تا سرمایه گذار خارجی نتواند در اختیار گذاشتن فن آوری را وسیله جیاول صنعتگران و اقتصاد آن کشور قرار دهد، ولی قانونگذار ایران هیچ محدودیتی در این مورد ایجاد نکرده است؛ همچنین، تمهیدی قانونی برای مشابه سازی^۱ (indigenization) صنایعی که از راه سرمایه گذاری خارجی به ایران وارد می شود اندیشیده نشده است، در حالی که به گفته Scott^۲ و همکارانش «تا هنگامی که فن آوری به دست نیامده و به کار گرفته نشده باشد، منتقل نشده است». همچنین به گفته Kumar^۳ و همکارانش^۴ «اطلاعات به دست آمده از ۴۵ شرکت دریافت کننده تکنولوژی اندونزیایی نشان می دهد که افزایش ظرفیت فن آورانه به عوامل متعدد چون ظرفیت جذب فن آوری شرکت با توجه به شرایط فعالیتها در زمینه تحقیق و توسعه در آن، در دسترس بودن افراد فنی، کانالهای انتقال، چگونگی دخالت دولت، و فرهنگ آموزشی شرکت بستگی دارد.»

قانونگذار ایران مدتی نیز برای توقف سرمایه خارجی در ایران تعیین نکرده است و این نشان می دهد که سرمایه گذاریهای خارجی و جایگزینی آنها با سرمایه های داخلی هدف قانونگذار ما نیست؛ ضمن اینکه، هیچ ذکری از باز کردن (unpacking) تکنولوژی وجود ندارد در حالی که یکی از مسایل مهم در انتقال تکنولوژی آن است که دهنده تکنولوژی آن را تا آنجا که ممکن باز کند.^{۱۰}

در اختیار داشتن فن آوری پیشرفته از مهمترین عوامل پیشرفت يك کشور است، تا جایی که girvan^۱ می نویسد: «فاصله تکنولوژیک» میان کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته بزرگترین عامل یگانه ای است که زیربنای «فاصله درآمد» میان آنها را تشکیل می دهد؛ و از نظر Egorov^۲ و همکارش^۳ انتقال فن آوری و روشهای تجاری سازی همراه با بهره گیری از شبکه ای از مهدهای نظری و پیشرفت علمی و صنعتی، می تواند نقش سازنده ای در برپایی يك رنسانس اقتصادی - اجتماعی داشته باشد. با این حال، قانون جدید سرمایه گذاری خارجی نشان می دهد که قانونگذار ایران تلاشی برای وادار کردن سرمایه گذار خارجی به انتقال فن آوری یا سوق دادن سرمایه گذاری به سوی تولیدات با فن آوری بالا (high tech) نداشته است. البته، چنان که Scott^۴ و همکارانش^۵ می نویسند، «انتقال موفقیت آمیز فن آوری یا صرف جابه جایی فن آوری به محیطی جدید حاصل نمی شود.» و طبق گفته Maredia^۶ و همکارانش^۷ «انتقال تکنولوژی^۸ نه تنها به معنی جابه جایی عین فن آوری است بلکه اطلاعات، آموزش، دستورالعمل های پشتیبانی کننده، و مقررات را نیز دربر می گیرد.»

در بیشتر کشورها، مقدار سودی که سرمایه گذار خارجی زیر عنوان حق الامتیاز (royalty)^۹، بابت در اختیار گذاشتن فن آوری می تواند از کشور خارج کند

با آنچه در عمل می‌بینیم چندان سازگاری ندارد. از نظر عرف، «تکنولوژی»، دانش و روشی است که منجر به ایجاد یک محصول می‌شود. این برداشت دور از واقعیت نیست. برای مثال، Robock^{۱۳} در این زمینه گفته است «انتقال تکنولوژی به معنی انتقال دانش فنی و مدیریتی است که در سرمایه انسانی و مادی متبلور و همچنین در اسناد منتشر شده درج شده است.»

بر پایه بررسی کارشناسان UNCTAD، جابه‌جایی و انتقال بین‌المللی دانش فنی گونه‌هایی چند^{۱۴} دارد. انتشار کتابهای فنی، مجلات و دیگر متون چاپ شده؛ حرکت مردمان میان کشورها، از جمله مهاجرت (برای نمونه، فرار مغزها)؛ سفرهای آموزشی دانشجویان و کادر فنی^{۱۵}؛ استخدام کارشناسان خارجی؛ توافق در مورد حق اختراع و اکتشاف؛ گرفتن پروانه و دانش فنی نمونه‌هایی از این موارد است.^{۱۶} به هر روی، چنان که Maredia^{۱۷} می‌نویسد «انتقال واقعی فن آوری ممکن است از راه واگذاری حق بهره‌گیری (licensing)، با فروش، یا حتی واگذاری رایگان فن آوری انجام شود.» این درحالی است که به گفته Saini^{۱۸}، «سرمایه‌گذار خارجی تکنولوژی را بیشتر در چارچوب مکانیزم‌هایی چون سرمایه‌سهمی، شرکت مشترک، دادن اجازه (licensing)، قراردادهای مدیریتی، و تمهید تجهیزات در اختیار می‌گذارد.»^{۱۹} تفاوت‌های این مکانیزم‌ها در پرداخت‌های زیر عنوان سود سهام، حق مدیریت و حق امتیاز مشخص می‌شود.^{۱۹} در مورد ایران نیز وضع به همین گونه است. مطابق ماده ۱۰ قانون جلب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰، سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند فن آوری را در قالب آورده غیرنقدی به ایران وارد کند، و آورده غیرنقدی می‌تواند به صورت ماشین و تجهیزات، ابزارها و قطعات یدکی، قطعات منفصله و مواد اولیه و افزودنی و کمکی، و حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی باشد.^{۲۰}

در زمینه انتقال فن آوری، در تبصره ۱ تصمیم قانونی دایر به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مصوب ۲۹/۱۲/۲۴ که از نخستین قوانینی است که منبع این تحقیق می‌باشد آمده است: «کمیسیون نفت مجاز است از کارشناسان داخلی و خارجی در صورت لزوم دعوت نماید و...» بدیهی است، دعوت از کارشناسان خارجی

بی‌توجهی به انتقال فن آوری منحصر به قانون سرمایه‌گذاری نیست. فصل یازدهم قانون برنامه سوم به توسعه علوم و فن آوری اختصاص داده شده است، ولی در مورد توسعه فن آوری تنها به تولید فن آوری توجه شده و واردات آن، همچنین به کسب آن، از راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و نیز به جذب دانش فنی خارجی، مورد نظر قرار نگرفته است؛ درحالی که به گفته Hen-drick^{۲۱} و همکارانش^{۲۱}، «انتقال اطلاعات و داراییهای مبتنی بر دانش، عنصر حیاتی رقابت موفقیت آمیز در بازارهای جهانی است.»

شاید با توجه به اهمیت حیاتی صنایع مربوط به نفت، گاز و پتروشیمی برای ایران و تکیه کشور به درآمدهای حاصل از آنها، وضع انتقال فن آوری در این صنایع خاص به گونه دیگری باشد. با توجه به جایگاه کشور ما در صنعت نفت، جای تعجب نخواهد بود اگر ما حتی از تولیدکنندگان فن آوری مربوط به نفت باشیم. بنابراین پرسش این تحقیق آن است که آیا قوانین و مقررات یا قراردادهای بسته شده با خارجیان زمینه را برای جلب و جذب بهترین و کارآمدترین فن آوریهای مرتبط با صنایع مربوطه در ایران فراهم آورده است یا نه. برای پاسخگویی به پرسش اصلی، نویسنده از روش اسنادی و تحلیل محتوا استفاده کرده است؛ یعنی، منابع حقوقی مربوطه پس از گردآوری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

بررسی منابع:

منابع قانونی مربوط به این موضوع به دو دسته یعنی قوانین و مقررات، و تصویبنامه‌های دولت در خصوص دادن اجازه مشارکت به سرمایه‌گذاران خارجی و انتقال دهندگان فن آوری تقسیم شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

مصوبات مجلس^{۲۲}

درباره فن آوری (technology) گفته شده است: «فعالیت هدف‌دار بشر است که شامل طراحی و ساخت تولیدات گوناگون چون پوشاک، خوراک، صنایع دستی، ماشینها، ساختمانها، ابزارهای الکترونیکی و سیستمهای کامپیوتری می‌شود.»^{۲۲} تعریف ارایه شده برای فن آوری

برای بهره‌گیری از دانش و مهارت ایشان بوده، با این حال انتقال دانش آنان مورد توجه قرار نگرفته است.

در همین راستا، پس از ملی شدن صنعت نفت، اعزام کادر فنی به خارج بهترین روش دستیابی شرکت ملی نفت ایران به دانش فنی بوده است. مطابق ماده ۶ طرح قانونی دایر به طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مصوب ۱۳۳۰/۲/۹: «برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی به متخصصین ایرانی هیأت مختلط (هیأت مجری ملی شدن نفت) مکلف است آیین‌نامه فرستادن عده‌ای محصل به طریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته‌های مختلف معلومات و تجربیات مربوط به صنایع نفت به کشورهای خارج را تلویح و پس از تصویب هیأت وزیران به وسیله وزارت فرهنگ به موقع اجرا گذارد. مخارج تحصیل این محصلین از عواید نفت پرداخته خواهد شد.»

همچنین، در بند «۵.م» جزء «ر» ماده ۴ قانون راجع به اجازه مبادله قرارداد فروش نفت و گاز و طرز اداره عملیات آن مصوب ۱۳۳۳/۸/۶ آمده است: «تهیه طرح و برنامه‌ها با مشورت شرکت ملی نفت ایران برای کارآموزی و تعلیم صنعتی و فنی و تشریح مساعی برای اینکه اجرای آن به منظور این که ایرانیان با فراگرفتن تعلیم لازم در کوتاهترین مدتی که عملاً ممکن باشد جایگزین کارمندان بیگانه شوند و هر نوع فرصت ممکنه برای ایرانیان در این عملیات شرکت‌های عامل شاغل مقامات مهم بشوند فراهم گردد.» افزون بر آن، مطابق ماده ۹ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۳۳/۱۰/۲۵ «شرکت می‌تواند... طبق آیین‌نامه مخصوص هر عده محصل و کارآموز در شعب فنی و حسابداری صنعتی و بازرگانی نفت که صلاح بداند برای تکمیل تحصیلات به خارج اعزام و همچنین از کارکنان شرکت در صورت لزوم برای انجام وظایف شرکت یا مطالعه به خارج مأمور نموده هزینه‌هایی را که باید به ارز خارجی تأدیه شود بپردازد.»

در موافقتنامه‌هایی نیز که میان ایران و دیگر کشورها بسته می‌شده، مسأله انتقال فن آوری از راه آموزش کارکنان شرکت نفت مورد توجه بوده است. مطابق ماده ۳۳ قانون مربوط به موافقتنامه تفحص و اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری نفت میان شرکت نفت ایران و

شرکت ایتالیایی آجیپ مینراریا (سیرپ) مصوب ۱۳۳۶/۶/۲ «... سیرپ (شرکت مشترک) با همکاری شرکت ملی نفت ایران و آجیپ مینراریا طرح و برنامه‌ای برای کارآموزی و تعلیم فنی و صنعتی تنظیم خواهد کرد و برای اجرای آن همکاری خواهد نمود تا کارمندان ایرانی با فراگرفتن تعلیم لازم در کوتاهترین مدتی که عملاً ممکن باشد جایگزین کارمندان خارجی گردند و به کارمندان ایرانی فرصت و امکان آن داده شود که در عملیات سیرپ مشاغل مسئولیت‌دار را احراز نمایند.» در ضمن، در بند ۲ ماده ۱۴ قراردادهای بسته شدن میان شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت میتسویی و شرکاء و شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت کابوت و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران مصوب ۱۳۵۱/۸/۱۰ آمده است: «شرکت پتروشیمی و کابوت هر کدام جهت آموزش کارکنان ایرانی مورد نیاز شرکت تسهیلات آموزشی خود را در اختیار خواهند گذاشت. توجه بخصوص به موضوع جایگزین نمودن کارمندان خارجی به وسیله کارمندان ایرانی مبذول خواهد شد و بدین ترتیب هرگونه فرصت مناسب به کارکنان ایرانی جهت احراز به مقامی با مسئولیت در بهره‌برداری و مدیریت شرکت واگذار خواهد گردید. و بدین منظور کابوت کمکهای فنی جهت آموزش کارکنان ایرانی در کارخانه‌ها و تأسیسات خود در محل‌هایی که مورد توافق قرار خواهد گرفت و به وسیله کارمندان ذی‌صلاحیت کابوت در مورد مدیریت و بهره‌برداری و نگهداری کارخانه فراهم خواهد نمود.»

قوانین ایران به آموزش کارکنان شرکت نفت اهمیت بسیاری داده و از هر فرصتی برای تأمین این هدف بهره گرفته است. در بند ۶ ماده ۱۳ قانون مربوط به موافقتنامه تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری و فروش نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت سهامی بان‌آمریکن پترولیوم کورپوریشن مصوب ۳۷/۳/۷، یکی از اهداف مشارکت، چنین بیان شده است: «تهیه طرح و برنامه‌ها برای کارآموزی و تعلیم صنعتی و فنی و همکاری در اجرای آنها با توجه به این هدف که در نتیجه اجرای برنامه‌های مذکور تقلیل تدریجی و مرتب کارمندان خارجی به نحوی میسر گردد که در خاتمه ده سال از تاریخ اجرا عده کارمندان خارجی شرکت ایران

نصدی آنها در اختیار نباشد. رعایت این مقررات در مورد پیمانکارانی که برای پیمانکار کل کار می‌کنند نیز لازم خواهد بود.»

به هر روی، بند ۶ ماده ۱۳ قانون موافقتنامه ایران - پان آمریکا که در بالا مورد بحث قرار گرفت، با ترکیب جدید بازگشته و در بند ۶ قانون اجازه مبادله و اجرای سه فقره قرارداد نفت مصوب ۵۰/۱۰/۶، همان بند ذکر شده با این تفاوت که در آن، مدت ۱۰ سال برای جایگزینی متخصصان ایرانی به ۸ سال کاهش یافته و شمار ایشان در مسئولیتهای مربوطه از ۴۹ درصد به ۳۰ درصد تغییر کرده است.

قانونگذار با واژه‌ها و اصطلاحاتی که این تحقیق در لابه‌لای قوانین در جستجوی آنهاست بیگانه نبوده اما محدوده‌ای از نظر قانون برای آنها مشخص نکرده است؛ تا جایی که، در مبحث مربوط به مالیات، با اینکه دیگر کشورها درصدند سهم منصفانه خود را از درآمد حاصل از انتقال فن آوری به کشورشان به صورت مالیات دریافت دارند،^{۲۱} مطابق بخش ج از بند ۳ ماده ۱۸ قراردادهای بسته شده میان شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت میتسوبی و شرکا و شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت کابوت و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران مصوب ۱۳۵۱/۸/۱۰ بعنوان برخی از موارد مستثنا از مالیات،^{۲۲} از «پرداختهای مربوط به حق اختراع و حق لیسانس و دانش فنی و کارآموزی خدمات مهندسی و فنی» نام برده شده و مقرر شده است که «کابوت هرگونه و کلیه روشهای تهیه فرآورده‌ها (چه به عنوان اختراع ثبت شده و یا نشده باشد) و اطلاعات فنی و تخصصی متعلق به خود و یا در کنترل خود را که مرتبط به تولید فرآورده‌های مندرج در بند ۶ ماده ۳ باشد در اختیار شرکت خواهد گذاشت و حق خواهد داشت بابت آن مقدار از روشها و اطلاعات فنی و تخصصی که حق اختراع آنها به ثبت رسیده و یا در معرض اطلاع عمومی و یا اطلاع سایر طرفهای قرارداد گذارده شده مبلغ عادلانه‌ای از شرکت دریافت نماید. مبلغی که از این بابت پرداخته می‌شود در هیچ مورد نباید از حداقل مبلغی که کابوت بابت روشها و اطلاعات فنی و تخصصی که شرکتهایی که تمام سرمایه آنها متعلق به کابوت می‌باشد می‌گذارد و به حساب آنها منظور می‌نماید بیشتر باشد.»

پان آمریکا از ۲ درصد کل کارمندی که در استخدام آن شرکت می‌باشند تجاوز ننماید و مقامات عالی اجرایی که توسط کارمندان غیرایرانی اشغال شده از ۴۹ درصد کل مقامات اجرایی موجود بیشتر نباشد.» افزون بر آن، در بند ۱ ماده ۲ قانون موافقتنامه میان دولت ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درباره همکاری اقتصادی و فنی به منظور ایجاد تأسیسات ذوب آهن و کارخانه ماشین‌سازی و نصب لوله گاز در ایران و واگذاری اعتبار برای این مقاصد مصوب ۱۳۴۴/۱۲/۴ بعنوان یکی از وظایف طرف قرارداد آمده است: «... تعلیم فنی افراد ایرانی برای کمک در نصب و تنظیم و به کار انداختن تجهیزات و ماشینها به منظور بهره‌برداری از آن. پذیرفتن افراد ایرانی در مؤسسات اتحاد شوروی برای کسب تعلیمات فنی در امور تولیدی به منظور به کار گماردن این افراد در تأسیسات مذکور در ماده یک این موافقتنامه.»

مفاد بند ۶ ماده ۱۳ قانون موافقتنامه ایران - پان آمریکا دقیقاً در بند ۶ ماده ۱۳ قانون راجع به اجازه مبادله و اجرای پنج فقره قرارداد نفت مصوب ۱۳۴۴/۱۱/۲۴ نیز تکرار شده است. همچنین این مطلب در بند ۶ ماده ۱۳ قانون قرارداد شرکت نفت خلیج فارس مصوب ۱۳۴۴/۴/۲۱ آمده است؛ گرچه با کمال تعجب بند مزبور یا بندی شبیه به آن در قانون اجازه مبادله و اجرای قرارداد پیمانکاری اکتشاف و تولید نفت با آراب مصوب ۴۵/۹/۱۹ وجود ندارد. در برخی از قراردادهای ظاهراً با توجه به قراردادهای گذشته نیازی به اعزام دانشجو به خارج نبوده و در نتیجه در آنها بند دیگری گنجانده شده است. برای نمونه، مطابق بند و جزء ۲ ماده ۱۰ قانون اجازه مبادله قرارداد نفت با شرکت کنتینانتال مصوب ۱۳۴۸/۷/۲ «محدود کردن استخدام کارمندان خارجی به حداقل با تأمین این منظور که تا آنجا که بطور معقول عملی باشد کارمندان خارجی فقط برای نصدی مشاغل تخصصی فنی که ایرانیان حایز معلومات و تجربه لازم برای احراز آن مشاغل یافت نشود استخدام شوند» درج شده است. همچنین، در بند ۱ ماده ۲۰ قانون نفت مصوب ۱۳۵۳/۵/۸ آمده است: «استخدام کارمند خارجی فقط در مورد مشاغلی مجاز خواهد بود که کارمند ایرانی واجد تخصص و تجربه لازم برای

بنابراین، قانونگذار ایران حتی از مالیات متعلقه چشم پوشیده است تا بدین سان انتقال فن آوری را تشویق کرده باشد.

اجازه‌های مشارکت

از بررسی قوانین مربوط روشن شد که قانونگذار با داشتن آگاهی نسبی از مفاهیم مربوط به انتقال تکنولوژی، از پرداختن به مسائل و موضوعات مربوط جز در مورد آموزش کارکنان خودداری کرده است. شاید بیم آن وجود داشته است که طرح محدودیتها و شرایطی در مورد گرفتن فن آوری ممکن است منجر به دلسرد شدن طرفهای خارجی در بستن قراردادهای مربوط شود. در این خصوص، ۸ قرارداد مصوب سرمایه‌گذاری خارجی در مورد صنایع نفت، گاز و پتروشیمی که در دسترس بوده، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. در تصویبنامه مورخ ۱۳۷۳/۶/۲ هیأت وزیران، اصلاح شده در ۱۳۷۸/۱۰/۱۹ راجع به مشارکت شرکت تراویس کمیکالز قبرس در طرح تولید مواد شیمیایی ویژه مورد استفاده در صنایع نفت و گاز در شهرستان فیروز کوه با مشارکت سرمایه‌گذاران خصوصی ایرانی و همچنین، تصویبنامه مورخ ۱۳۷۸/۸/۳۰ راجع به اجازه مشارکت در سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات مهندسی حفاری به شرکت (بور گاز دریلینگ) مقیم روسیه با سرمایه‌گذاری ایرانی، سخنی از انتقال فن آوری، پرداختهای مربوط به حق اختراع، حق لیسانس، دانش فنی و کارآموزی در زمینه خدمات مهندسی و فنی به میان نیامده است. جالب اینکه، در قرارداد اخیر با شرکت بور گاز، هدف از مشارکت در ارائه خدمات فنی و مهندسی ذکر گردیده ولی اعلام شده است که «سهم سرمایه شرکت بور گاز معادل دویست هزار (۲۰۰،۰۰۰) دلار آمریکا به صورت نقد به کشور وارد شود.» بنابراین، خدمات فنی و مهندسی بعنوان آورده شریک خارجی به شرکت در نظر گرفته نشده و شاید روش دیگری برای ارائه و تصفیة خدمات فنی و مهندسی میان طرفین قرارداد در نظر گرفته شده است و هیأت وزیران نیز بی تفاوتی از موضوع گذشته است.

۲. در تصویبنامه مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۱۵ هیأت

وزیران راجع به دادن اجازه مشارکت به شرکت انر گوانیوست مقیم بوسنی و هرزگوین در طرح تولید شیرآلات صنعتی در استان تهران با شرکت سهامی صنایع و تجهیزات نفت (خاص) آمده است: «در مقابل ارائه کمکهای فنی و آموزشی و در زمانی که تولیدات شرکت مشترک صادر می‌شود، معادل ۵۷۶،۰۰۰ دلار آمریکا طی دو سال به صورت اقساط مساوی پس از تأیید شرکت مشترک در وجه شرکت انر گوانیوست از محل ارز حاصل از صادرات تولیدات قابل پرداخت است... انتقال سود سهام قابل انتقال شرکت انر گوانیوست و حق کمک فنی... از محل حاصل از صادرات تولیدات شرکت مشترک تأمین و تأدیه شود.» خوشبختانه، در این قرارداد کمکهای فنی و آموزشی مورد توجه قرار گرفته و مبلغ مربوط به این کمکها نیز مشخص شده و به تصویب رسیده است. همچنین، با وجود برخی ابهامها، پیش‌بینی شده است که پرداخت وجوه مربوط به کمکهای فنی و آموزشی در برابر تولید منجر به صادرات باشد و به نظر می‌رسد در صورتی که به هر دلیل محصولی تولید نشود یا محصولات تولید شده صادر نشود مبلغی به شریک خارجی پرداخت نخواهد شد. البته، ابهام موجود در این مورد به اندازه‌ای است که حتی می‌تواند منجر به بطلان قرارداد شود و عجیب است که وکلای دوطرف یا حقوقدانانی که در بخشهای دولتی مربوط به این قرارداد مداخله داشته‌اند، متن این مصوبه را تنظیم کرده‌اند. روشن است که در مدت دو سال ممکن است در پاره‌ای اوقات تولید یا صادرات یا هر دو تعطیل شود؛ در این صورت آن مدت نیز جزء دو سال محسوب خواهد شد یا نه؟ ممکن است تولید در دوره‌هایی از آن دو سال با حداکثر ظرفیت و گاهی با کمتر از حداکثر ظرفیت انجام شود، و حتی ممکن است حاصل تولید و صادرات برای پرداخت آنچه مقرر شده است به صورت دو قسط مساوی در دو سال پرداخت شود کفایت نکند، ولی این موارد در نظر گرفته نشده است. چنین اجازه‌ای به استناد قانون مدنی ایران مخدوش است و اگر قرارداد میان طرفین نیز به همین گونه تنظیم شده باشد، آنها مخدوش و به استناد بند ۳ ماده ۱۹۰ ق.م.ا. به علت نداشتن شرایط اساسی صحت معاملات، مخدوش خواهد بود.

۳. در تصویبنامه مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۲ هیأت وزیران

خرید مواد اولیه و قطعات از خارج، بازپرداخت وام سهامدار خارجی، پرداخت حق لیسانس (از ابتدای سال چهارم بهره‌برداری) و سود سهام قابل انتقال شرکت ری از محل ارز حاصل از صادرات تولیدات شرکت مشترک تأمین و تأدیه شود و هر سال گواهی صادرات تا حدی که کلیه نیازهای ارزی مذکور را پوشش دهد به سازمان سرمایه‌گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران تسلیم گردد. چنانچه شرکت ری نتواند به دلیل عدم صادرات شرکت مشترک سود قابل انتقال خود را از محل ارز حاصل از صادرات تولیدات شرکت مشترک تأمین نماید، انتقال سود سهام شرکت ری از محل ارز حاصل از صادرات تولیدات شرکت مشترک در سالهای بعد بلامانع می‌باشد. . . . در صورت وجود محدودیت قانونی و یا اعمال شده از سوی دولت که در نتیجه آن شرکت مشترک نتواند تولیدات خود را صادر نماید الزام به صادرات برای آن سال منتفی شده و در نتیجه انتقالات ارزی مربوط به سهامدار خارجی طبق قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی انجام خواهد شد.» ایرانی در این مشارکت، شرکتهای خصوصی است و ارتباط سازمانی با وزارت نفت ندارد و علت پرداختن به آن، مقایسه مفاد اجازه مشارکت آن با مفاد اجازه‌های قبلی است.

در این قرارداد، نخست اینکه طرف مقابل ملزم به آوردن دانش فنی روز شده است در حالی که در قراردادهای پیشین چنین ذکری از دانش روز وجود نداشته است؛ دوم اینکه مبالغ پرداختی بابت حق لیسانس، خدمات فنی و استفاده از علائم تجاری نه به صورت معین بلکه به صورت درصدی از خالص فروش تولیدات آنها به مدت ۱۰ سال تعیین شده است. همین امر، برخی از ابهامات را که در قراردادهای یاد شده وجود داشت زدوده و اجمال را کمتر کرده است. برای نمونه، چنانچه تولید خالص وجود نداشته باشد یا تولیدات به فروش نرسیده باشند الزامی به پرداخت مبالغ مربوط به حق لیسانس و . . . نخواهد بود. گذشته از آن، برخلاف قراردادهای پیشین، تکلیف استفاده از دانش فنی، خدمات فنی و علائم تجاری پس از گذشت ده سال نیز مشخص شده و شرایط مزبور تمديدشدنی دانسته شده است. همچنین، گرچه مقرر شده است که پرداخت حق لیسانس از محل

راجع به دادن اجازه مشارکت به شرکت هانزاشیمی مقیم آلمان از راه خرید ۴۹ درصد سهام شرکت صنایع شیمی و پتروشیمی ایران (خصوصی)، آمده است: «در ازای ارائه دانش فنی ساخت جمعاً مبلغ ۲ میلیون مارک در دو قسط مساوی سالیانه برای یک بار از محل ارز حاصل از صادرات تولیدات شرکت مشترک در وجه هانزاشیمی قابل پرداخت است. . . . کلیه نیازهای جاری ارزی شرکت مشترک در دوره بهره‌برداری شامل و نه محدود به نیازهای ارزی برای خرید مواد اولیه از خارج، بازپرداخت اصل و پرداخت سود وام سهامدار خارجی، حق دانش فنی و سود سهام قابل انتقال سهامدار خارجی از محل ارز حاصل از صادرات تا حدی که هزینه‌های جاری ارزی مذکور را پوشش دهد به سازمان سرمایه‌گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران تسلیم شود. . . . در صورت وجود محدودیت قانونی یا محدودیت اعمال شده از سوی دولت که در نتیجه آن شرکت مشترک نتواند تولیدات خود را صادر نماید، الزام به صادرات برای آن سال منتفی شده و در نتیجه انتقالات ارزی طبق قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی انجام خواهد شد.»

در این قرارداد نیز اجمال، به گونه‌ای که در مورد قرارداد قبلی گفته شد، وجود دارد ولی برای موردی که تولید انجام شده اما به علت محدودیت قانونی یا محدودیت اعمال شده از سوی دولت صادرات ممکن نشده باشد، چاره‌جویی شده و مقرر گردیده است که مشکل با مکانیزم مندرج در قانون سرمایه‌گذاری خارجی حل خواهد شد.

۴. در تصویبنامه مورخ ۱۳۷۶/۵/۸ هیأت وزیران راجع به دادن اجازه مشارکت به شرکتهای مقیم آلمان در طرح تولید مشعلهای گازی و گازوئیلی در منطقه صنعتی اشتهاارد با مشارکت شرکت شهرک (خصوصی) آمده است: «حق لیسانس در ازای ارایه دانش فنی روز، خدمات فنی و استفاده از علائم تجاری معادل ۱/۸ درصد فروش خالص تولیدات پس از کسر بهای قطعات و مواد اولیه وارداتی به مدت ۱۰ سال به شرکت ری قابل پرداخت می‌باشد که حسب درخواست قابل تمدید خواهد بود. . . . کلیه نیازهای ارزی شرکت مشترک در دوره بهره‌برداری شامل و نه محدود به ارز لازم برای

ارز حاصل از صدور تولیدات شرکت مشترک تأمین و تأدیه شود و برای آغاز پرداخت نیز مهلتی (grace period) در نظر گرفته شده ولی این امکان ایجاد شده که در صورت عدم امکان صادرات به دلایلی غیر از وجود محدودیت قانونی یا اقدامات دولتی، شریک خارجی بتواند سهم خود را از محل ارز حاصل از صادرات در سالهای بعد دریافت کند.

تردید نیست که قراردادی که از سوی بخش خصوصی تنظیم شده و به تصویب هیأت دولت رسیده است، در عین داشتن مقدار دقیقتر و پرداختن بیشتر به مسأله دانش فنی و برخورد ماهرانه و حرفه‌ای با موضوع انتقال فن آوری، نسبت به قراردادهایی که از سوی بخش دولتی بسته شده است دارای اجمال و ابهام کمتری نیز هست.

آنچه در این قرارداد انجام شده به آنچه بطور استاندارد و معمول باید بین طرفین مشارکت انجام شود نزدیک است. در مورد مکانیزم انتقال فن آوری، Maredia و همکارانش^{۲۳} می‌نویسند: «فقط پس از امضای قراردادهای انتقال فن آوری، انتقال واقعی آن صورت می‌پذیرد. همواره فن آوری، هر طرف یک نسخه از توافقنامه اجرایی حاوی اصطلاحات و شرایط انتقال را دریافت می‌دارد. اطلاعات پشتیبانی کننده نیز منتقل می‌شود. این اطلاعات ممکن است مشتمل بر مقاله‌نامه‌ها یا دستورالعمل‌هایی راجع به چگونگی استفاده از محصول و آزمایش آن باشد. پس از انتقال واقعی، فن آوریها بیشتر توسعه می‌یابند و در بوتۀ آزمایش در محیط جدید قرار می‌گیرند.»

۵. در تصویبنامه مورخ ۱۳۷۷/۶/۱۱ هیأت وزیران راجع به دادن اجازه مشارکت به شرکت سامووالو مقیم آلمان در طرح تولید شیرهای تویی با شرکت صنایع تجهیزات نفت و شرکت تعاونی چندمنظوره ایشارگران صنعت نفت و گاز آمده است: «سهم سرمایه شرکت سامووالو... به صورت زیر به کشور وارد شود... معادل هفتصد و هجده هزار و دویست و پنجاه (۷۱۸،۲۵۰) دلار، به صورت دانش فنی». به همین صورت نیز در تصویبنامه مورخ ۱۳۷۸/۲/۱ هیأت وزیران راجع به دادن اجازه مشارکت به شرکت سوفام مقیم جمهوری خلق چین با شرکت صنایع تجهیزات نفت و دیگر

سرمایه‌گذاران ایرانی در طرح تولید شیرآلات صنعتی آمده است: «سهم سرمایه شرکت سوفام جمعاً به مبلغ یک میلیون و چهارصد و هفتاد هزار (۱،۴۷۰،۰۰۰) دلار آمریکا به صورت دانش فنی... ارز مورد نیاز برای پرداخت سود سهام قابل انتقال شرکت سوفام از محل ارز حاصل از صادرات تولیدات شرکت مشترک تأمین و تأدیه شود.» در نتیجه، این دو قرارداد روشی ساده و خالی از ابهامات گذشته را برای انتقال دانش فنی در نظر گرفته‌اند. اما، این روش نیز چنانچه با توافقات قبلی تکمیل نشده باشد، بی‌گمان به نامعلوم بودن قرارداد می‌انجامد و سبب بطلان آن خواهد شد؛ زیرا، باید مشخص باشد که در برابر سهم یاد شده از سرمایه شرکت مشترک چه نوع دانش فنی، با چه ترکیبی و برای چه مدتی در اختیار شرکت مشترک قرار خواهد گرفت؛ گرچه، همان‌گونه که بسیار پیش می‌آید، در این مورد نیز «فن آوری از واحدی از شرکت که فن آوری را توسعه می‌دهد به زیرمجموعه‌های همراه یا فرعی همان شرکت منتقل می‌شود.»^{۲۴}

۶. در تصویبنامه مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۸ هیأت وزیران راجع به دادن اجازه مشارکت به شرکت OIEL مقیم جزایر ویرجین (انگلستان) در شرکت مجتمع الفین اصفهان به منظور اجرای طرح پتروشیمی الفین آمده است: «به عنوان تسهیلات مالی سهامدار به شرکت مشترک معادل نهمصد و هفتاد و دو میلیون و چهارصد هزار (۹۷۲،۴۰۰،۰۰۰) دلار به صورت نقد، ماشین‌آلات، تجهیزات و خدمات... ارز مورد نیاز شرکت مشترک در دوره بهره‌برداری برای بازپرداخت اصل و پرداخت سود تسهیلات مالی و سود سهام قابل انتقال شرکت OIEL از محل ارز مشترک تا حدی که نیازهای ارزی یاد شده را پوشش دهد با تأیید سازمان سرمایه‌گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران ابطال خواهد شد.» در این مورد، روش تازه‌ای در پیش گرفته شده و دانش فنی تا حد امکان می‌تواند در قالب خدمات و بعنوان تسهیلات مالی یعنی وام دارای سود به کشور وارد شود. البته، در این مورد نیز باید موارد مربوط به ماشینها و خدمات، از قبل مشخص شده باشد تا ابهام ناشی از مشخص نبودن آنها منجر به بطلان قرارداد نشود. عیب جذب فن آوری در قالب تسهیلات مالی آن است که شرکت مشترک اعم

دیده می‌شود؛ نخست اینکه مبلغ معینی، معمولاً در چند قسط در برابر ارائه کمکهای فنی و آموزشی، و حتی نیز با عنوان حق کمک فنی یا حق دانش فنی، هر دو از محل ارز حاصل از صدور تولیدات شرکت مشترک، تأمین و تأدیه می‌شود. در مشارکت با شرکت انرگوا اینوست و شرکت هانزاشیمی از این روش استفاده شده است؛ دوم اینکه، در برابر ارائه دانش فنی روز، خدمات فنی و استفاده از علائم تجاری، پرداخت بعنوان حق لیسانس به صورت مبلغ ثابت در نظر گرفته نشده بلکه درصدی از سود شرکت در نظر گرفته شده است و حتی مبلغ مزبور که قرار است از محل فروش خالص تولیدات پس از کسر بهای قطعات و مواد اولیه وارداتی پرداخت شود با ذکر درصد و مدت مشخص گردیده است؛ سوم اینکه، در مواردی، دانش فنی به پول نقد تقویم و بعنوان سهم سرمایه شریک خارجی منظور شده است. و سرانجام در یک مورد، به نظر می‌رسد خدمات فنی در قالب تسهیلات مالی (وام) به شرکت مشترک داده شده است.

در بیشتر این قراردادها، به گونه‌ای که پیشتر گفته شد، برخی از موارد که از دید قانونی لازم بوده معلوم و معین شود، مبهم است. در نتیجه، هم اجازه داده شده نسبت به این موارد، و هم توافق انجام شده، باطل است. بدیهی است در صورت ایجاد هر گونه اختلاف میان طرفین، این گونه قراردادهای باطل نمی‌تواند مشکل گشا باشد.

در نتیجه، گذشته از قوانین مصوب مجلس، تصویبنامه‌های هیأت وزیران نیز که نکات اصلی قراردادهای میان شریک ایرانی و شریک خارجی در مورد سرمایه‌گذاری و انتقال فن آوری را در بر گرفته، فاقد مقررات لازم در مورد گرفتن، انتقال، بومی کردن، باز کردن و همگانی‌سازی کاربرد فن آوری مربوط و... است. قانون محدودیتی در مورد مبلغی که بعنوان trans-fer pricing به خارج فرستاده می‌شود ایجاد نکرده و مجموعه اجازه‌های صادر شده از سوی هیأت وزیران نیز گویای ملاک و معیاری در این زمینه نیست.

در مدتی نزدیک به یک دهه، کشورهای عضو گروه ۷۷ در قالب UNCTAD تلاش کردند مجموعه مقرراتی با عنوان United Nations Code of Conduct on Transfer of Technology به تصویب برسانند که شوربختانه به علت مخالفت برخی از کشورهای پیشرفته

از اینکه دارای تولید و صادرات باشد یا نباشد، موظف است از عهده اصل و فرع تسهیلاتی که دریافت کرده است برآید. در نتیجه، اصولاً درج تسهیلات مالی در چارچوب سرمایه‌گذاری خارجی نقض غرض^{۲۵} به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

در بررسی پیش‌بینی‌های حقوقی در زمینه جلب فن آوری پیشرفته خارجی در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، فرض نگارنده بر آن بود که با توجه به اهمیت حیاتی صنایع مربوط به نفت، گاز و پتروشیمی برای ایران و تکیه کشور به درآمدهای حاصل از آنها، وضع انتقال فن آوری در این صنایع خاص به گونه شایسته‌ای بوده و زمینه بهره‌مندی این صنایع به بهترین و کارآمدترین (most sophisticated) فن آوریهای مربوط فراهم آمده است. اما، این فرض به اثبات نرسید. در قوانین و مقررات مربوط به صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، گرچه فقط در قوانین پیش از انقلاب، مقرراتی در مورد آموزش کارکنان شرکت نفت و نشستن آنان به جای کارکنان خارجی در نظر گرفته شده، ولی تمهیدی قانونی به منظور مشابه‌سازی فن آوری وارد شده به کشور اندیشیده نشده، سرمایه‌زدایی خارجی مورد توجه نبوده، و ذکری نیز از باز کردن فن آوری به میان نیامده است.

بی‌توجهی قانونگذار به تدوین قوانین تفصیلی در مورد انتقال تکنولوژی در صنایع مربوط به نفت، گاز و پتروشیمی از سر ناگاه نبوده، و دست کم می‌توان گفت که قانونگذار با واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به آن موارد آشنایی کامل داشته است. قانونگذار ایران نه تنها محدودیت و شرایطی به طرف خارجی تحمیل نکرده، بلکه حتی از مالیات حقّه مربوط به transfer pricing به عمد چشم پوشیده است. در تصویبنامه‌های مربوط به اجازه مشارکت نیز در مواردی حتی ذکری از انتقال فن آوری، پرداختهای مربوط به حق اختراع، حق لیسانس، دانش فنی و کارآموزی خدمات مهندسی و فنی به میان نیامده است.

در زمینه به دست آوردن فن آوری، چند روش متفاوت در میان تصویبنامه‌های مربوط به اجازه مشارکت،

ورود تکنولوژی، همراه با تلاشهای دولت در جهت صنعتی کردن کشور، به برپایی يك اقتصاد ملی نیرومند در تایوان کمک کرده است.

در این زمینه، در قانون نفت مصوب ۶۶/۷/۹، نظارت بر انجام عملیات نفتی به عهده وزارت نفت نهاده شده و در تعریف عملیات نفتی آمده است «... و انجام مطالعات و تحقیقات و آزمایش‌ها و پژوهش‌های علمی و فنی برای بسط و تکمیل تکنولوژی و ارتقاء دانش فنی و صنعتی و بررسی تبعات و اختراعات مربوط به صنایع نفت و تبادل اطلاعات علمی و فنی و تجربیات صنعتی با مؤسسات داخلی و خارجی در زمینه عملیات نفتی». در نتیجه، انتظار آن بوده که وزارت نفت نیز بر انتقال تکنولوژی به ایران نظارت کند.

یادداشتها

1. Norman P. Girvan, "TNCs and the Transfer of Technology", (1985), *The CTC Reporter*, No. 19 (Spring), p.18.
2. Egorov, I., and E.G. Carayannis. (1999), "Transforming the Post-soviet Research Systems Through Incubating Technological Entrepreneurship", *Journal of Technology Transfer*, Aug Vol. 24, No. 2 and 3.p. 159-172.
3. Scott D. Johnson, Elizabeth Faye Gatz and Don Hicks, (1997), "Expanding the Content Base of Technology Education: Technology Transfer as a Topic of Study", *Journal of Technology Education*, Vol. 8, No. 2, Spring, p. 7.
4. Maredia, Karim M., Frederic H. Erbisch, Catherine L. Ives, Andrew J. Fischer, (1999), "Technology transfer and licensing of agricultural biotechnologies in the international arena", *AgBiotechNet* Vol. 1 May, p.2.
5. Technology transfer includes all activities which assist in the transfer or exchange of materials to partner countries and assistance to in-country research programmes (support to research laboratories, legal consultations, biosafety consultations and collaborative field tests). Maredia and..., *op.cit.*, p.3
۶. بند ۳ ماده ۱۲ موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اوکراین مقرر می‌دارد: «اصطلاح حق الامتیاز اطلاق می‌شود به هر نوع وجوه دریافت شده به عنوان ما به

صنعتی به تصویب نرسید و کمبود آن در صحنه بین‌المللی بسیار محسوس است. مشکلی که امروز از جهت جذب و مشابه‌سازی تکنولوژی احساس می‌کنیم مورد توجه «انکتاد» و یکی از هدفها آن بوده است که به کشورهای درحال توسعه در گزینش و دستیابی به تکنولوژیهای برآورنده نیازهایشان و بهره‌گیری مؤثر از آنها کمک کند؛ همچنین، مجموعه مقررات یاد شده می‌توانست شرایطی پدید آورد که به افزایش انتقال بین‌المللی تکنولوژی برپایه شرایط مورد توافق متقابل که برای هر دو طرف سودمند باشد، بینجامد.^{۲۶} گرچه مجموعه مقررات یاد شده به تصویب نرسیده، ولی مقاد آن در مورد مسائل گوناگون مربوط به انتقال تکنولوژی در قراردادهای انتقال فن آوری قابل استفاده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در بستن این گونه قراردادها به مقاد آن توجه شود.

شایسته است در این زمینه، قانونی با عنوان «قانون انتقال تکنولوژی»^{۲۷} تصویب شود. البته، این کار باید پس از نظرخواهی از کارشناسان و انجام گرفتن مطالعات و بررسیهای لازم صورت پذیرد. این بررسیها باید توسط متخصصان علوم، اقتصاد و حقوق انجام گیرد و در قانون مزبور باید همه مواردی که در میان مطالب بالا راجع به حق امتیاز، جذب تکنولوژی سطح بالا، استفاده از آموزشهایی که از سوی سرمایه‌گذاران داده می‌شود، بهره‌گیری از خدمات تخصصی و مدیریتی همراه با سرمایه‌گذاری خارجی، وارد کردن تکنولوژی و ایرانی کردن آن، و کاربرد تکنولوژی بالا مورد توجه باشد. همچنین، درحال حاضر وظیفه هیأت مسئول سرمایه‌گذاری خارجی است که با در نظر گرفتن پیچیدگیهای موجود در زمینه گزینش نوع سرمایه‌ای که به کشور وارد می‌شود، به دو نکته مهم در مورد انتقال تکنولوژی، بویژه تکنولوژی جدید و کارآمد و جذب شدن آن تکنولوژیها در کشور و سوق دادن آن به سمت حرکت تولیدات ایرانی به بازارهای جهانی توجه کند. این گونه اقدامات اداری می‌تواند تأثیر بسزایی در چگونگی انتقال تکنولوژی داشته باشد. برای نمونه، به نوشته Tseng و همکارش،^{۲۸} در تایوان، مؤسسه تحقیقات تکنولوژی صنعتی، نقش مهمی در انتقال تکنولوژی کاربردی به صنایع بازی کرده است. جریان

tion, Vol. 8, No. 2, Spring, p. 7)

۱۵. یکی از مواردی که سرمایه‌گذاران خارجی (بیشتر شرکتهای چندملیتی) در کشورهای میزبان با علاقه و تأکید انجام می‌دهند آموزش نیروی انسانی است که به کار می‌گیرند ولی در قانون سرمایه‌گذاری به این آموزش که از روشهای مسلم انتقال فن آوری است توجهی نشده است. گفته شده است که بعنوان بهترین راهکار در دسترس، برای آموزش افراد و ارایه تربیت لازم برای انجام دادن ماهرانه شغلهایشان، سرمایه‌گذاران خارجی آموزش کارکنان را در همه سطوح فراهم می‌کنند. سرمایه‌گذاران خارجی وقتی در یک کشور در حال توسعه فعالیت را آغاز می‌کنند کارگران خود را آموزش می‌دهند و حتی پس از آموختن فن، آموزش را ادامه می‌دهند تا ایشان بتوانند با ماشینهای جدید کار کنند و دوره‌های ویژه‌ای برای آموزشهای پیشرفته کادر مدیریت و متخصص ترتیب می‌دهند و مدرس حرفه‌ای داخلی برپا می‌کنند. البته، بهره‌برداری از این امکان منوط به آن است که کشور میزبان نیز مایل به استفاده از این آموزشها باشد.

Die Bold Institute, (1973), Private Enterprises in a Post Industrial Society, No. 2: Business and Developing Countries - A Study of the Role of Private Enterprises, Delhi (UBS Pub.), p.23; see also Roy B. Helfgolt, (1973), "Multinational Corporations and (Manpower Utilization in Developing Countries)", The Journal of Developing Areas, No. 7, p. 242.

16. UNCTAD, Transfer of Technology, including Know-how and Patents: Elements of a Program of Works for UNCTAD, TD/B/B 1310

17. Maredia and..., op.cit., p. 2.

18. M. K. Saini, (1981), **Politics of Multinationals: A Pattern in Neo-Colonialism**, New Delhi (Gitangali Prakashan), p. 35.

19. U. N. Department of Economic and Social Affairs, **The Acquisition of technology from Multinational Corporations by Developing Countries**, 1974, ST/ESA/12, p.29.

۲۰. به موجب ماده ۱ قانون فوق، «سرمایه خارجی... شامل موارد زیر می‌گردد:

الف. وجوه نقدی که به صورت ارز قابل تبدیل، از طریق نظام بانکی یا دیگر طرق انتقال وجوه که مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باشد، به کشور وارد می‌شود.

ب. ماشین آلات و تجهیزات.

ح. ابزار و قطعات یدکی، قطعات منفصله و مواد اولیه، افزودنی و کمکی.

د. حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی.

ه. سود سهام قابل انتقال سرمایه‌گذار خارجی.

و. سایر موارد مجاز با تصویب هیأت دولت.

21. Since the amount of income earned depends on the

ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نورهای رادیویی و تلویزیونی، هر گونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرایند سری، با اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی.»

7. Transfer of technology may be done by several different means resulting in temporary or permanent transfer of the technology/discovery. Maredia and... op.cit., p.6.

8. Scott and... op.cit., p.1.

9. Kumar, V., U. Kumar, & A. Persaud. (1999), "Building technological capability through importing technology: the case of Indonesian manufacturing industry", **Journal of Technology Transfer**, Apr., Vol. 24, No. 1, p. 81-96.

10. UNCTAD, Draft Code of Conduct on the Transfer of Technology, TD/CODE TOT 147,20 June 1985; also G.M. Wilner, "Transfer of Technology: The UNCTAD Code of Conduct", Norbert Horn (ed.), **Legal Problems of Codes of Conduct for Multinational Corporations**, The Netherlands (Kluwer-Deventer, 1980), p. 241.

11. Hendrick, E.J. - Jr., & D. R. Martin, (1997), "Selling your organization on technology transfer: the metaphor of movement", **Journal of Technology Transfer**, Spring, Vol. 22, No. 1, p. 11-17.

12. Microsoft Encarta 99.

13. Robock, Stephen H., (1980), **The International Technology Transfer Process**, Washington (National Academy of Sciences)

14. The communication channels that support the transfer process include the printed word (e.g., journals, books, newspapers), personal correspondence (e.g., letters, conversations), scientific societies, formal instruction (e.g., universities, research institutions), travel and exploration, mass media (e.g., public information promotions, demonstration programs such as the model farm), bureaucratic and institutional reform, and research (e.g., adaptive research, agricultural research stations). Other, more specific, examples of transfer vehicles include personalized training (Hall, Loucks, Rutherford, & Newlove, 1975); open dialogue (Pacey, 1986); inter-industry communication (Rosenberg, 1970); education and training (Stern, 1992); management techniques and timing (Tyre & Orlikowski, 1993); student exchange programs and cooperative scientific ventures (Markert, 1993). (Scott D. Johnson, Elizabeth Faye Gatz and Don Hicks, (1997), "Expanding the content Base of Technology Education: Technology Transfer as a Topic of Study", **Journal of Technology Educa-**

- international arena", AgBiotechNet, Vol 1 May
- Egorov, I., and E.G. Carayannis. (1999), "Transforming the Post-soviet Research Systems Through Incubating Technological Entrepreneurship" J-technol-transf. Aug. Vol. 24, No.s 2/3
- Hendrick, E.J.- Jr., & D.R. Martin, (1997), "Selling your organization on technology transfer: the metaphor of movement", J-technol-transf, Spring, Vol. 22, No.1
- Finan, W., L. Cameron, & W. Morgan, (1999), "Transfers of technology: a basic primer on tax considerations", J-technol-transf. Apr. Vol. 24, No.1
- G. M. Wilner, "Transfer of Technology: The UNCTAD Code of Conduct", Norbert Horn (ed.), Legal Problems of Codes of Conduct for Multinational Corporations, The Netherlands (Kluwer-Deventer, 1980)
- Kumar, V., U. Kumar, & A. Persaud. (1999) "Building technological capability through importing technology: the case of Indonesian manufacturing industry", Journal of technology transfer, Apr. Vol. 24, No.1
- Saini, M. K., (1981), "Politics of Multinationals: A Pattern in Neo-Colonialism", New Delhi (Gitangali Prakashan)
- Microsoft Encarta 99
- Norman P. Girvan, (1985), "TNCs and the Transfer of Technology", The CTC Reporter, No. 19, (Spring)
- Robock, Stephen H., 1980, The International Technology Transfer Process, Washington (National Academy of Sciences)
- Scott D. Johnson, Elizabeth Faye Gatz and Don Hicks, (1997), "Expanding the Content Base of Technology Education: Technology Transfer as a Topic of Study", Journal of Technology Education, Vol. 8, No. 2, Spring
- Taschler, D.R., & -C.C. Chappelow, (1997), "Intra-company technology transfer in a multinational industrial firm", J-technol-transf, Spring, Vol. 22, No.1
- Tseng, H.C., I.Y Lu, (1995), "Technology transfer and industrial development in Taiwan", Journal of Technology Transfer, Sept, Vol. 20, No. 2
- U.N. Department of Economic and Social Affairs, The Acquisition of technology from Multinational Corporations by Developing Countries, 1974, ST/ESA/12
- UNCTAD, Draft Code of Conduct on the Transfer of Technology, TD/CODE TOT 147 June 1985
- UNCTAD, The Legal Policies Section of the Technology Division, "Draft International Code of Conduct on the Transfer of Technology, Present Position", The CTC Reporter, No. 12 (Summer 1982)
- UNCTAD, Transfer of Technology, including Know-how and Patents: Elements of a Program of price for technology paid by one part of a company to another, this "transfer price" is of keen interest to the tax authorities. To preserve their tax bases, therefore, countries establish rules to regulate the international transfer of goods and services, including technology, between related parties. (Finan, W., L. Cameron, & W. Morgan, (1999), "Transfers of technology: a basic primer on tax considerations", Journal of Technology Transfer, Apr., Vol. 24, No.1, p. 5-24).
۲۲. بندق ماده ۱۸ قانون اجازه فرار داد بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکتهای سهامی صنایع شیمیایی میتسوبیشی و نیشویایوی مصوب ۵۲/۴/۱۲ نیز مطالب مربوط به مالیات را مطرح ساخته است.
23. Maredia and..., op.cit., p. 6.
24. Taschler, D.R., & -C.C. Chappelow, (1997), "Intra-company technology transfer in a multinational industrial firm", Journal of Technology Transfer, Spring, Vol. 22, No. 1, p. 29-34.
۲۵. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: قلی زاده، احد. (۱۳۷۹). «سرمایه گذاری خارجی و بحران مالی آسیای جنوب شرقی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۵۱-۱۵۲ (فروردین و اردیبهشت)، صص ۱۸۸-۱۹۴.
26. UNCTAD, The Legal Policies Section of the Technology Division, "Draft International Code of Conduct on the Transfer of Technology, Present Position", The CTC Reporter, No. 12 (Summer 1982), p. 32.
۲۷. نظیر این قانون تحت عنوان National Technology Transfer and Advancement Act, 1996 and Transfer Act of 1986 در کشور ایالات متحده آمریکا وجود دارد. Scott D. Johnson, Elizabeth Faye Gatz and Don Hicks, (1997), "Expanding the Content Base of Technology Education: Technology (Transfer as a Topic of Study" Journal of Technology Education, Vol. 8, No. 2, Spring, p.2
28. Tseng, H.C., I.Y. Lu, (1995), "Technology transfer and industrial development in Taiwan", Journal of Technology Transfer, Sept, Vol. 20, No.2.

منابع و مآخذ:

- Die Bold Institute, (1973), "Private Enterprises in a Post Industrial Society, No. 2: Business and Developing Countries - A Study of the Role of Private Enterprises", Delhi (UBS Pub.)
- Roy B. Helfgolt, (1973), "Multinational Corporations and Manpower Utilization in Developing Countries", 7 The Journal of Developing Areas, 242.
- Maredia, Karim M., Frederic H. Erbisch, Catherine L. Ives, Andrew J. Fischer, (1999), "Technology transfer and licensing of agricultural biotechnologies in the

- سهامی صنایع شیمیایی میتسویشی و نیشوایوی مصوب ۵۲/۴/۱۲
- قانون اجازه مبادله قرارداد نفت با شرکت کنتینانتال مصوب ۱۳۴۸/۷/۲
- قانون اجازه مبادله و اجرای سه فقره قرارداد نفت مصوب ۱۳۵۰/۱۰/۶
- قانون اجازه مبادله و اجرای قرارداد بیمه‌انکاری و اکتشاف و تولید نفت با آراب مصوب ۱۳۴۵/۹/۱۹
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹
- قانون جلب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰
- قانون راجع به اجازه مبادله و اجرای ۵ فقره قرارداد نفت مصوب ۱۳۴۴/۷/۲۴
- قانون قرارداد شرکت نفت خلیج فارس مصوب ۱۳۴۴/۴/۲۱
- قانون قراردادهای منعقد بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی، شرکت میتسوئی و شرکا و شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت کابوت و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران مصوب ۱۳۵۱/۸/۱۰
- قانون مربوط به موافقتنامه تفحص و اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری نفت بین شرکت نفت ایران و شرکت ایتالیایی آجیب میناریا مصوب ۱۳۳۶/۶/۲
- قانون مربوط به موافقتنامه تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری و فروش نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت سهامی پان امریکن پترولیوم کورپوریشن مصوب ۱۳۳۷/۳/۷
- قانون موافقتنامه بین دولت ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درباره همکاری اقتصادی و فنی به منظور ایجاد تأسیسات ذوب آهن و کارخانه ماشین‌سازی و نصب لوله گاز در ایران و واگذاری اعتبار برای این مقاصد مصوب ۱۳۴۴/۱۲/۴
- قلی‌زاده، احمد. (۱۳۷۹)، «سرمایه‌گذاری خارجی و بحران مالی آسیای جنوب شرقی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۵۱-۱۵۲ (فروردین و اردیبهشت)، صص ۱۸۸-۱۹۴، این مقاله در ۱۳۷۹/۴/۱۸ در روزنامه اطلاعات نیز به چاپ رسیده است.
- موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اوکراین
- اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۳۳/۷/۲۵
- تصمیم قانونی راجع به اجازه مبادله قرارداد فروش نفت و گاز و طرز اداره عملیات آن مصوب ۱۳۳۳/۸/۶
- تصویبنامه مورخ ۱۳۷۵/۱/۲۲ هیأت وزیران راجع به اجازه مشارکت به شرکت هانزاشیمی مقیم آلمان از طریق خرید ۴۹ درصد سهام شرکت صنایع شیمی و پتروشیمی ایران (خصوصی)
- تصویبنامه مورخ ۱۳۷۸/۲/۱ هیأت وزیران راجع به اجازه مشارکت شرکت سوفامقیم جمهوری خلق چین با شرکت صنایع تجهیزات نفت و سایر سرمایه‌گذاران ایرانی در طرح تولید شیرآلات صنعتی
- تصویبنامه مورخ ۱۳۷۷/۶/۱۱ هیأت وزیران راجع به اجازه مشارکت به شرکت سامووالو مقیم آلمان در طرح تولید شیرهای تویی با شرکت صنایع تجهیزات نفت و شرکت تعاونی چند منظوره ایشارگران صنعت نفت و گاز
- تصویبنامه مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۱۵ هیأت وزیران راجع به اجازه مشارکت به شرکت انرگواینوست مقیم بوسنی و هرزگوین در طرح تولید شیرآلات صنعتی در استان تهران با شرکت سهامی صنایع تجهیزات نفت (خاص)
- تصویبنامه مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۸ هیأت وزیران راجع به اجازه مشارکت به شرکت OIEL مقیم جزایر ویرجین (انگلستان) در شرکت مجتمع الفین اصفهان به منظور اجرای طرح پتروشیمی الفین
- تصویبنامه مورخ ۱۳۷۳/۶/۲ هیأت وزیران اصلاحی ۱۳۷۸/۱۰/۱۹ راجع به مشارکت شرکت تراویس کیمیکالز قبرس در طرح تولید مواد شیمیایی ویژه مورد استفاده در صنایع نفت و گاز در شهرستان فیروزکوه یا مشارکت سرمایه‌گذاران خصوصی ایرانی
- تصویبنامه مورخ ۱۳۷۸/۸/۳۰ راجع به اجازه مشارکت در سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات مهندسی حفاری به شرکت (بورگاز دریلینگ) مقیم روسیه با سرمایه‌گذاری ایرانی
- تصویبنامه مورخ ۱۳۷۶/۵/۸ هیأت وزیران راجع به اجازه مشارکت به شرکتهای مقیم آلمان در طرح تولید مشعلهای گازی و گازوئیلی در منطقه صنعتی اشتهارد با مشارکت شرکت شهرک (خصوصی)
- قانون اجازه قرارداد بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکتهای